

درآمدی بر مراحل تربیت در قرآن کریم

دکتر بختیار شعبانی و زکی

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده:

تبیین مبانی نظری و فلسفه مرحله بندی و به تبع آن مراحل تربیت در بینش اسلامی با تأکید بر آیات قرآن کریم، موضوع جدیدی است که در این مقاله به آن پرداخته شده است. در نگارش این مقاله، سعی شده، ابتدا مقدمات لازم (تعریف دو مفهوم اساسی مقاله - مرحله و تربیت - فلسفه مرحله بندی، مشکلات، فواید، معیارها و اهداف مرحله بندی) فراهم گردد، آنگاه بر پایه این مقدمات، مراحل تربیت در قرآن به تصویر کشانده شوند. رهیافت‌های اصلی این نوشته اینست که: نخست مرحله بندی تربیت با نظر به شروع تربیت از زمان انعقاد نطفه و ادامه آن پایان حیات بعد از تولد انجام گرفته است، دوم در این جریان، همواره کانون توجه ما بر بهم پیوستگی مراحل در یک طرح یا زمینه معین و قابلیت انعطاف نقاط برش متمرکز شده است. و بالاخره خاطر نشان ساختیم که تعیین مراحل تربیت قبل از تولد نه ضروری است و نه ممکن و لذا صرفاً بر پایه روند تحولات جسمی - روانی انسان، مراحل تربیت بعد از تولد را در قالب سه دوره اصلی مشخص نمودیم که هر یک به دوره‌های فرعی دیگری قابل تقسیم هستند. ضمناً بحث مفصل راجع به هر یک از این مراحل به مقاله دیگری موکول شده است که امیدواریم بتوانیم آن را پس از دریافت بازخوردهای انسانهای هوشمند عرضه کنیم.

مقدمه:

موضوع مراحل تربیت از دیدگاه قرآن، در میان منابع موجودی که در خصوص تربیت اسلامی، نگاشته شده‌اند. تقریباً به چشم نمی‌خورد.^(۱) اغلب این مسأله را از زاویه احادیث و روایات مورد توجه قرار داده‌اند. در این مورد بخصوص، مانند سایر مباحث در تربیت اسلامی، مؤلفان در سطح باقی مانده‌اند. گرچه نمی‌توان وجود موارد استثنائی را انکار کرد. بطور کلی متون تربیت اسلامی را از این نقطه نظر می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول متونی که حدیث معروف سه هفت سال در آنها مبنای کار قرار گرفته و تحولات بعد از ۲۱ سالگی بدون توجه به ملاحظات دقیق، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.^(۲) دسته دوم متونی که حدیث «الایمان فوق الاسلام بدرجه و التقوی فوق الایمان بدرجه و الیقین فوق التقوی بدرجه و لم یقسم بین العباد شئی اقل من الیقین» (امام رضا(ع) در آنها مبنای مرحله بندی قرار گرفته و بنابر این مراحل تربیت را در گستره زندگی تبیین نمودند.^(۳) در میان متخصصان تعلیم و تربیت، آنها که در مراحل تربیت کتاب نوشته‌اند. صرفاً به این نکته اشاره کرده‌اند که مراحل تربیت بر تحول روانی انسان مبتنی است و بنابر این از روی عوامل عمده تکوینی می‌توان آنها را روشن کرد.^(۴)

- ۱- فقط در صفحه ۳۳۹ جلد (۱۹) تفسیر المیزان ذیل آیه ۲۰ سوره حدید به نقل از شیخ بهایی به مراحل اشاره شده که در صفحات بعدی به آن خواهیم پرداخت.
- ۲- از جمله اینها: قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، تهران، انتشارات امیری، چاپ چهارم، ۱۳۶۳، می‌باشد.
- ۳- از این حدیث برای این منظور کتاب: باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران انتشارات مدرسه چاپ دوم، ۱۳۷۰، استفاده شده است. در این مورد بخصوص تسلط و دقت مؤلف جداً قابل ملاحظه است.
- ۴- در این رابطه می‌توان به منابع زیر اشاره کرد:
 - دبس، موریس، مراحل تربیت، ترجمه علی‌محمد کاردان، تهران انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هشتم، ۱۳۶۸.
 - شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول ۱۳۶۳.
 - ندیمی، محمد تقی، بروج، محمد حسین، آموزش و پرورش ابتدائی - راهنمایی تحصیلی و متوسطه، تهران، انتشارات مهرداد، چاپ اول ۱۳۷۱.

- شکوهی، غلامحسین، «ماهیت مراحل رشد و فلسفه دوره‌های تحصیلی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، سال پنجم،

در منابع روان‌شناسی بحث نظری پیرامون مسأله مراحل تا اندازه‌ای دقیق مطرح شده است. در زمره کسانی که بطور جدی به این موضوع پرداخته‌اند می‌توان ژان پیاژه^(۱)، برونر^(۲)، کهلبرگ^(۳)، براون^(۴)، هرنشتاین^(۵) را نام برد. گروهی به تسلسل و توالی ثابت مراحل قائلند و برخی دیگر با اشاره به برخی یافته‌ها راجع به وجود پسرفت در مراحل، توالی ثابت را مورد تردید قرار داده‌اند.

در این مقاله، ضمن توجه به یافته‌های موجود و با نظر به تعریفی که از تربیت ارائه می‌شود، تبیین مراحل تربیت، از زمان انعقاد نطفه و ادامه آن تا پایان حیات بعد از تولد مورد توجه قرار گرفته است. ویژگی دیگر این مقاله تبیین مبانی نظری و فلسفه مرحله بندی تربیت است که در متون تربیتی بویژه متون تربیت اسلامی کمتر به چشم می‌خورد. روی این اساس تصور می‌شود شالوده بحث پی ریزی شده است و بنابراین این عنوان «درآمدی بر...» را برای آن برگزیدیم.

روش مطالعه:

به منظور بررسی مراحل تربیت از دیدگاه قرآن، با توجه به این که در آغاز هر بحث منظمی انتظار می‌رود واژه‌های کلیدی تعریف شوند ما نیز واژه‌های قرآنی را که با واژه‌های اصلی ما در بحث یعنی مرحله و تربیت^(۶) مربوط بوده‌اند را با استفاده از فرهنگ موضوعی قرآن استخراج، آن‌گاه با مراجعه به کتب تفسیر کلمات قرآنی سعی کردیم ابتدا تعریفی از این واژه‌ها ارائه کنیم. بعد از مبادی تصویریه، به منظور ورود به اصل بحث با نظر به منابع موجود در خصوص مراحل تربیت (بویژه تربیت اسلامی) و نیز کتب روانشناسی رشد و همین طور فرهنگ موضوعی قرآن طرحی مقدماتی فراهم شده، آن‌گاه به منظور طراحی نهایی مراحل

شماره ۲ تابستان (۱۳۶۸)، ص ۳۲ - ۱۰.

1- Piaget

2- Bruner

3- Kohlberg

4- Brown

5- Herrnstein

۶- البته واژه تربیت خیلی مختصر مورد بررسی قرار گرفت.

تربیت با تکیه بر موارد یاد شده، تفسیر المیزان به عنوان منبع اصلی بطور گسترده مورد استفاده قرار گرفت.

مرحله:

واژه مرحله (e) - Marhala در فرهنگ‌های فارسی و عربی به معنای فرود آمدن‌گاه، منزل، منزلگاه، مسافتی که مسافر در یک روز طی می‌کند، جای فرود آمدن و جای کوچ کردن، کوچگاه و منزل بین دو منزل به کار رفته است.^(۱) بنا بر این به اعتبار معنای لغوی مرحله به جایی که محل فرود و مبدایی برای حرکت است، اطلاق می‌شود.

در نتیجه مرحله بندی مستلزم پذیرش حداقل فرض تقطیع یک زمینه خاص است. در قرآن کریم برای بیان مراحل خلقت انسان از واژه «طور» استفاده شده است. در تفسیر کلمات قرآن ذیل آیه «و قد خلقکم اطواراً» (سوره نوح ۷۱ / آیه ۱۴) آمده است: «مدرجالکم فی حالات مختلفه» یعنی برای شما حالات مختلفی قرار دارد.

(یعنی اول نطفه بودید، بعد هم مضغه، سپس عظام، آنگاه استخوان را لباس گوشت پوشیده و...) (پوشیده و...)

مقصود اصلی ما نظر به فرایند تحول جسمی - روانی انسان است. بنابراین باید دید که آیا بر اساس تعریفی که از مرحله شد می‌توان این فرایندها را مرحله بندی نمود و در واقع به تقطیع آنها مبادرت ورزید؟ اگر لازم است این مرحله بندی انجام گیرد معیارهای اساسی کدامند؟ و بالاخره فواید و بعضاً مخاطرات مرحله بندی رشد انسانی چیست؟

انسان از زمان تشکیل نطفه تا هنگام تولد و از تولد تا مرگ تحولاتی را پشت سر

۱- برای مشخص کردن معنی لغوی مرحله به فرهنگ‌های زیر مراجعه شده است:

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۳۸.

- معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۳.

- عمید، حسن، فرهنگ فارسی، جلد ۲.

- حرا، خلیل، فرهنگ عربی - فارسی لاروس، ترجمه سید حمید طیبیان، جلد ۲.

- فرهنگ ابجدی (المنجد الابجدی)، ترجمه رضا مهیار، ص ۸۰۵.

می‌گذارد و در این تردیدی نیست. مرحله بندی فرایند رشد انسان قبل از تولد در قرآن کریم تصریح شده است.

«و لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین، ثم جعلناه نطفه فی قرار مکین، ثم خلقنا النطفه علقه فخلقنا العلقه مضغه فخلقنا المضغه عظماً فکسونا العظام لحماً ثم انشأناه خلقاً اخر فتبارک الله احسن الخالقین» (مؤمنون / ۱۴ - ۱۲)

یعنی: «ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم، سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته) و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) و مضغه را به صورت استخوانهایی در آوردیم و سپس بر استخوانها گوشت پوشاندیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن (به دمیدن روح پاک مجرد) او را باز آفریدیم به آفرینشی دیگر، آفرین بر قدرت کامل بهترین آفریننده».

یا ایها الناس ان کتم فی ریب من البعث فانا خلقناکم من تراب ثم من نطفه ثم من علقه ثم من مضغه مخلقه و غیر مخلقه لنبین لکم و تقرّ فی الارحام ما شا الی اجل مسمی ثم نخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم و منکم من یتوفی و منکم من یرد الی ارضه لعلکم تعلم من بعد علم شیئا..... (حج / ۵)

یعنی: ای مردم اگر شما در روز قیامت و قدرت خدا بر بعث مردگان شک و ریبی دارید (برای رفع شک خود بدین دلیل توجه کنید) بدانید که ما شما را نخست از خاک آفریدیم آن گاه از آب نطفه آن گاه از خون بسته آن گاه از پاره گوشت تمام و ناتمام در این انتقال و تحولات قدرت خود را بر شما آشکار سازیم و از نطفه‌ها آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحم‌ها قرار دهیم تا بوقتی معین طفلی (چون گوهر) از (صدف) رحم بیرون آریم تا زیست کرده و به حد بلوغ برسد و برخی از شما (در این بین) بمیرد و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد تا آن جا که پس از دانش و هوش خرف شود و هیچ فهم نکند. و....^(۱) در این آیات و نیز در آیات^(۲) دیگر به مراحل رشد جنین در رحم از آغاز بارداری اشاره شده است. بدین معنی که از هنگام بارور شدن تخمک مادر به وسیله یکی از اسپرمهای

۱- حسین - محمد مخلوف، تفسیر کلمات قرآن، ترجمه حسینعلی انصاری راد، مشهد، انتشارات آستان قدس

۲- (زمر - ۶)، (غافر - ۶۷)، (طارق - ۶)

پدر، زیگوت، که در قرآن به عنوان نطفه خوانده می‌شود، تشکیل می‌گردد. و بعد تخمک بارور شده با تقسیم شدن متدرجاً شروع به تکثیر می‌کند و تعداد سلولهای آن اضافه می‌شود. اما به لحاظ حجم در طی دو هفته اول تغییر محسوسی مشاهده نمی‌شود. در این مدت علقه (خون بسته) را می‌سازد. آن گاه تخمک بارور شده از تخمدان به رحم رفته و به دیواره آن می‌چسبد. در این مرحله غشاهای جنین بتدریج شکل می‌گیرند و بند ناف نیز که جنین را به جسم مادر به منظور دریافت غذا از خون مادر متصل می‌کند به وجود می‌آید. در همین جا علقه به مضغه مبدل می‌گردد. از این مرحله به بعد دستگاههای مختلف بدن بتدریج به وجود می‌آیند... «من مضغه مخلقه و غیر مخلقه...» این مرحله از رشد از پایان هفته دوم تا پایان ماه دوم طول می‌کشد. در پایان ماه دوم مرحله‌ای شروع می‌شود که جنین شناسان «آن را مرحله جنین» می‌نامند تا آن را از مرحله قبل (مضغه) متمایز سازند. در این مرحله حجم جنین سرعت افزایش پیدا می‌کند و در اعضای آن تغییرات محسوسی مشاهده می‌شود. این تغییرات تا پایان بارداری همچنان ادامه دارد. در آغاز مرحله جنینی سلولهای استخوانی تشکیل شده و جای سلولهای غضروفی را (که در مرحله مضغه وجود داشته) می‌گیرند. غشایی معروف به کیسه آمیونی دور جنین (در داخل رحم) را احاطه می‌کند. این کیسه مملو از مایع آمونتییک است، و مهمترین وظیفه آن محافظت از جنین در برابر تکانهای شدید و تأثیرات جاذبه است «ثم جعلنا نطفه فی قرار مکین» که منظور از قرارگاه مطمئن در این آیه همان رحم مادر است.^(۱) در آیات (۲۳ - ۲۰) سوره مرسلات نیز به این موضوع اشاره شده است.

الم نخلقکم من ماء مهین فجعلناه فی قرار مکین الی قدر معلوم فقد رنا فنعم القادرون.

«آیا ما شما آدمیان را از آب نطفه بیقدر بدین زیبایی نیافریدیم؟ و آن نطفه را (از صلب پدر) به قرارگاه رحم منتقل ساختیم تا مدتی معین و معلوم (در رحم بماند و ما تقدیر مدت رحم و تعیین سرنوشت او تا ابد) کردیم که نیکو مقدر حکیمی هستیم.» در این آیه نیز مراد بقرار مکین محفظه رحم است. و منظور از (قدر معلوم) مدت حمل است.^(۲)

۱- اقتباس از: نجانی محمد عثمان، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، انتشارات آستان قدس

رضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۲، ص (۳۲۵ - ۳۲۳).

۲- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۲۰، نشر بنیاد علمی

اختلاف نظر اساسی به فرایند تحولات انسان پس از تولد مربوط می‌شود. بسیاری از افراد به پیروی از گذشتگان بلا درنگ در بررسی این فرایندها به مرحله بندی رشد انسان اقدام نمودند و برای هر مرحله خصوصیتی را ذکر کرده‌اند. ملاحظه بسیاری از نوشته‌هایی که به مراحل رشد و یا تربیت انسان مربوط می‌شوند، چه از زاویه دید روان‌شناسی و چه تحت عنوان تعلیم و تربیت اسلامی این حقیقت را بخوبی نمایان می‌سازد. کمتر دیده می‌شود که به فلسفه و ماهیت مرحله بندی توجه دقیق شده باشد و بنابراین معمولاً اصل مرحله بندی به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شده تلقی می‌شود و هر یک از افراد بر حسب قراردادهای خود (و یا دانسته‌های خود) دست به مرحله بندی می‌زنند.^(۱)

مسأله مراحل از دیدگاه روان‌شناسی:

در عین حال کسانی هم هستند که در تعیین این جریان دست به کارهای اساسی زده‌اند و برای اقدامات خود دلایلی نسبتاً قوی آورده‌اند. و لازم است اندیشه‌های آنها در همین جا مورد توجه و بررسی قرار گیرند: ژان پیاژه از جمله کسانی است که به مرحله بندی در فرایندهای روانی قائل است. او این فرایندهای روانی را به مراحل منطقی سلسله مراتبی را تشکیل می‌دهند تقسیم کرده است و معتقد است که: «اكتساب هر مرحله مخصوص همان مرحله است، ولی نقطه آغازی نیز برای دوره بعدی به شمار می‌رود و مراحل قبلی به

فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۴۰۲.

۱- به عنوان مثال: محبوب، عباس، اصول الفکر التربوی فی الاسلام، بیروت، دار ابن کثیر، ۱۹۸۷، ص (۲۵۰)

- (۲۲۱).

- خانواده و تربیت کودک، تألیف دکتر علی قائمی، ص (۳۷۳ - ۳۳۹).

- شریعت‌داری، علی، روان‌شناسی تربیتی، اصفهان، انتشارات مشعل، چاپ دوم، ۱۳۶۳، ص (۱۹۱ - ۱۲۹) و

بسیاری از منابع دیگر، لازم به یادآوری است که مدتی است کمیته تعلیم و تربیت مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام

خمینی(س) به منظور تنظیم اندیشه‌های تربیتی امام، در بحث مربوط به مراحل تربیت ابتدا مراحل تربیت را مشخص

کردند. بعد در میان کلام امام برای برگردن جداول مربوط به جستجو پرداختند، جالب توجه است که در نهایت برخی از

خانه‌های جدول مثلاً خانه مربوط به میان سالی خالی مانده بود که شاید محققین تصور می‌کنند که....

صورت قسمتی از مرحله بندی در می آید»^(۱) باید توجه داشت که پیازه می پذیرد که «کودکان از مراحل مختلف با سرعت ها و میزانهای متفاوتی می گذرند و به همین جهت او به سنین مربوط به این مراحل چندان اهمیتی نمی دهد با این حال او تأکید می کند که کودکان این مراحل را با تسلسل و توالی ثابت «پشت سر می گذارند».^(۲)

پیاژه بر خلاف بسیاری از روان شناسان که از مفهوم مرحله به عنوان وسیله ای برای خلاصه کردن یافته های خود سود می جویند و تصور می کنند که مرحله جز جمع آمدن یک سلسله خصوصیات چیز دیگری نیست، معتقدست که مراحل او:

الف: طبق یک تواتر ثابت مرحله ای شکفته می شوند.

ب: طرحهای کیفی متفاوتی را وصف می کنند.

ج: مراحل از نظر فرهنگی جنبه جهانگیر دارند.^(۳)

د: با مشخصات عمومی (و نه اختصاصی) اندیشه سر و کار دارند.

دکتر منصور نیز شرایط و خصوصیات را برای هر مرحله در فرایند تحول روانی تعیین می کند^(۴) که به نظر می رسد. این مشخصات بر مبنای تئوری پیازه طرح ریزی شده اند این ویژگیها عبارتند از:

(۱) ثبات ترتیب توالی مراحل: یعنی همیشه در طول تحول محل و موقع ثابتی داشته باشد. به عبارت دیگر در سلسله مراحل وقتی می توانیم از مرحله صحبت کنیم که یک مرحله مفروض همیشه بعد از مرحله معینی بیاید و مرحله معین دیگری را بدنبال داشته باشد.

(۲) هر مرحله واجد صفت توحیدی است یعنی هر مرحله ای از یک فرایند مفروض،

۱- بیلر، رابرت، کاربرد روان شناسی در آموزش، ترجمه پروین کدیور، جلد اول، تهران انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، چاپ سوم، (۱۳۶۹)، ص (۱۱۹).

۲- کرین، ویلیام، پیشگامان روان شناسی رشد، ترجمه دکتر فرید فدایی، تهران انتشارات اطلاعات چاپ پنجم، ۱۳۷۰، ص (۴۹-۵۳).

۳- همان، ص ۹۲.

۴- منصور، محمود، روان شناسی ژنتیک (تحول روانی از کودک تا پیری)، تهران انتشارات ترمه، چاپ پنجم، ۱۳۷۰، ص (۴۹-۵۳).

باید با تمام خصوصیات مرحله قبلی توحید حاصل کرده باشد. مثلاً مرحله دوم یک فرایند، آنچه را که خصوصیات مرحله اول است را به خود گرفته و کلاً مرحله دوم را تشکیل می‌دهد. یعنی هم امکانات تازه را دارد و هم شامل امکانات مرحله قبلی است.

(۳) سومین شرط مرحله به وجود آمدن ساخت‌های مجموعه‌ای است. به صورت مجموعه در آمدن یک ردیف مکانیزم‌های کم و بیش همتراز شرط سوم یک مرحله است. (۴) هر مرحله واجد دو تراز است. یکی تراز تهیّه و دیگری تراز اتمام. یعنی در یک فاصله زمانی معین فرایندهای روانی در حال پیش رفتن و تحول و ریشه دوانیدن هستند که این تراز تهیّه است و سپس به مرتبه‌ای از تعادل می‌رسند که تراز اتمام است.

(۵) توجه به فرایندهای تشکیل دهنده مرحله که ممکن است در مرحله یا مراحل قبلی طرح ریزی شده باشند و تمیز آن از شکل تعادل هر مرحله، ویژگی پنجم مرحله است. برونر نیز مانند پیاز به وجود نظام متوالی در فرایند رشد هوش معتقد است و بنابراین اظهار می‌دارد که «رشد هوشی از سه نظام متوالی شناختی می‌گذرد»^(۱).

کهلبرگ هم، بر این باور است که مراحل او به صورت توالی بدون تغییر آشکار می‌شود. به نظر کهلبرگ کودکان همیشه از مرحله (۱) به مرحله (۲) و..... می‌روند. آنان از روی برخی مراحل نمی‌جهند و یا به ترتیب مخلوط این مراحل را طی نمی‌کنند. همه کودکان سرانجام به بالاترین مراحل دست نمی‌یابند، اما تا آن حدی که در این مراحل پیش می‌روند، پیشروی آنان مطابق ترتیب است.

در مقابل بسیاری از روان‌شناسان در مورد ادعاهای کهلبرگ اظهار تردید کرده‌اند. کورتین‌ها و گریف از جمله آنها هستند. آنان این عقیده را مشکل می‌یابند که استدلال اخلاقی با یک توالی ثابت، صرف‌نظر از فرهنگ رشد کند.^(۲) و به همان اندازه مرحله ششم کهلبرگ را مشکل می‌یابند. فیلیپس در این باره می‌نویسد: «با بحثهایی که در مورد محدودی از کارها انجام پذیرفت که خود مثنی از خروار است، معلوم گردید که مطالعه بین فرهنگی مسائل بسیار

۱- کاربرد روان‌شناسی در آموزش، جلد اول، ص ۱۲۹.

۲- پیشگامان روان‌شناسی رشد، ص (۱۱۳) و (۱۲۲).

دشواری را مطرح می‌سازد.^(۱) او نظام کهلبرگ را در باب مراحل تحول شناخت اخلاقی هدف قرار می‌دهد و «ادعای جهانی او را مبتنی بر اینکه سلسله مراتب شش مرحله‌ای او از حیث فرهنگی تغییرناپذیر است» را مورد انتقاد قرار می‌دهد. فیلیپس برای تحکیم نظریاتش به پژوهش بین فرهنگی کول^(۲) و همکارانش اشاره می‌کند: «او (کول) که در لیبریا مطالعه می‌کرد سرعت دریافت که تکالیف میزان شده‌ای که در تجربیات مربوط به تحول شناختی به کودکان غربی داده شده بود، در محیط افریقایی معنایی کاملاً متفاوت داشت. لذا، او آنها را متوقف ساخت و در عوض کوشید نگرشی قوم نگارانه نسبت به پژوهش روان شناختی خویش اتخاذ کند. نگرشی که بسیار پیچیده‌تر بود و از حیث فلسفی بسیار قابل دفاعتر.»^(۳)

براون و هرنشتاین به کهلبرگ اعتراض کرده‌اند و استدلال می‌کنند که کهلبرگ به رغم این که به تجربه دریافته است که «برخی افراد، پیش از آن که به جلو بروند، بطور موقت به مراحل ابتدایی‌تر باز می‌گردند، بویژه به مرحله (۲)، با وجود این می‌گوید که «پسرفت در توالی مراحل او نمی‌تواند باشد».

اینها می‌گویند «کهلبرگ در این جا از رویه علمی سر می‌پیچد و دانشمند باید هنگامی که یافته‌ها پندارهای او را رد می‌کند مایل باشد که این پندارها را ترک کند در این مورد یافته‌ها بیان می‌کند که نوعی پسرفت روی می‌دهد. بنابراین کهلبرگ بهتر بود که به سادگی این واقعیت را می‌پذیرفت.»^(۴) «کرین نیز خاطر نشان می‌سازد که «احتمالاً کهلبرگ نیاز دارد که در مورد احتمال پسرفت به مراحل ابتدایی‌تر انعطاف پذیر باشد.»^(۵)

لفرانکوویس^(۶) با نظر به بخشی از دانش کنونی و اعتقاد جاری در روان‌شناسی رشد،

۱- باقری، خسرو، فلسفه تعلیم و تربیت، جزوه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران،

۱۳۷۳، ص (۱۰۱).

2- Cole

۳- فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه و تألیف خسرو باقری، ص (۱۰۴).

۴- پیشگامان، روان‌شناسی رشد، ص (۱۱۶ - ۱۱۵).

۵- همان، ص ۱۲۳.

6- Lefrancois

یازده اصل را برای رشد بیان می‌کند و از جمله آنها اصلی است که بیان می‌کند «رشد ممکن است بر حسب مراحل مشخص قراردادی توصیف شود.» او می‌گوید منطقی به نظر می‌رسد که در چارچوب نظریهٔ پیاژه رشد را به عنوان امری مرحله‌ای توصیف کنیم. مراحل نمایشی برونر نیز منطقی بنظر می‌رسند، مراحل روانی - جنسی فروید دارای ویژگیهای فردی مختص به خود است و مراحل سیرز^(۱) واریکسون تحولات رشد نگر را ارائه می‌کنند. نکته جالب آن است که این مراحل موازی هم نیستند. آنها همه اظهاراتی از نقطه نظرهای متعدد می‌باشند و همه اشکال متفاوت رشد کودک را توضیح می‌دهند. در حالی که منطقی به نظر می‌رسد که گفته شود رشد به صورت مرحله‌ای است، باید به درستی تمام روشن شود که مراحل صرفاً ابداعاتی هستند که نظریه پردازان آنها را برای روشن شدن و نظم مشاهداتشان به وجود آورده‌اند.^(۲)

مسأله مراحل در بینش اسلامی (با تأکید بر قرآن کریم)

تفاوتهای فردی:

انسانها اگر چه در اصل وجود یکسان هستند. ولی استعدادها و قوای وجودی آنها به یک میزان نیست و از لحاظ خصایص درونی و اوصاف بیرونی با هم متفاوت هستند. و هر کسی در مرتبه‌ای خاص و در جایگاه معینی قرار گرفته است. استعدادها و توانایی‌ها به میزان مشخص و به «قدر معلوم» به افراد داده شده است.

و ان من شی الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم (حجر - ۲۱)

«هیچ چیز نیست مگر آنکه نزد ما خزینه‌های آنست و ما نازلش نمی‌کنیم مگر به اندازه

معین».

«قدر هر چیز به معنای خصوصیت خلقتی آن است که از آن چیز انفکاک ندارد و به

وسیله «قدر» هر موجود تعیین و متمایز از غیر خود می‌شود. چه غیر فردی و چه غیر نوعی،

1- Sears

۲- لفرانکوویس، گای، روان‌شناسی برای آموزش، ترجمه منیجه شهنی بیلاق، تهران، انتشارات رشد، چاپ اول،

مثلاً زید را از افراد دیگر انسان جدا می‌سازد چنان که نوع او را از انواع دیگر حیوانات جدا می‌کند». شمول این آیه هم به تفاوت‌های فردی نظر دارد و هم به تفاوت‌های نوعی^(۱) همین طور آیات دیگری در قرآن بر مطلب مذکور دلالت دارند مانند آیه‌های زیر:

«وکل شی عنده بمقدار (رعد / ۸۰) یعنی مقدار همه چیز در علم ازلی خدا معین است».

«... قد جعل الله بکل شی قدر (طلاق / ۳) یعنی: «بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است».

«لا یكلف الله نفساً الا وسعها (بقره / ۲۸۶) یعنی: خدا هیچ کس را تکلیف نمی‌کند مگر به توانایی او».

امام صادق (ع) در روایت نسبتاً مفصلی وجود تفاوت‌های فردی را بیان کرده است: «خداوند متعال اجزایی آفرید و آنها را به (۴۹) جزء رسانید سپس هر جزئی را ده قسمت کرده (یعنی مجموعاً (۴۹۰) قسمت دارد) آنگاه آنها را میان انسانها تقسیم کرد، به فردی یک دهم جزء داد به دیگری دو دهم تا به یک جزء کامل رسانید و به شخص دیگر یک جز و یک دهم جزء داد و به دیگری یک جز و دو دهم آنرا تا به جزء کامل رسانید آن گاه به این صورت میان مردم تقسیم کرد تا به بهترین آنها (۴۹) جزء کامل دارد پس فردی که دارای یک دهم جزء است نمی‌تواند مانند فردی باشد که دو دهم جزء را دارد، و نیز کسی که دارای یک جزء کامل است مانند دارنده دو جزء کامل نیست و همچنین... اگر مردم می‌دانستند که خداوند متعال آنان را به این وضع و شکل آفریده است کسی دیگری را سرزنش نمی‌کرد»^(۲).

در روایات بالا به صراحت تفاوت در استعداد و قابلیت‌های افراد اشاره شده است که خداوند به هر انسانی ظرفیت و استعداد خاصی داده است. اما این که منظور حضرت از (۴۹) جز و اعشار آن چیست روایت ساکت است و نیاز به تحقیق بیشتری دارد. ذکر این نکته ضروری است که آنچه خداوند متعال عطا کرده است استعداد است و خود انسان باید با تلاش

۱ - طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۲، نشر بنیاد

علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۳، ص (۲۰۸ - ۲۰۷)

۲ - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ص ۷۳.

پیگیری، تحت تربیت مداوم، استعدادهای خود را شکوفا سازد. استاد مطهری می‌نویسد: «خداوند انسانها را از نظر استعدادها و امکانات جسمی و روحی و عقلی و عاطفی مختلف و متفاوت آفریده است بعضی را در بعضی از مواهب، بر بعضی دیگر به درجاتی برتری داده است و احياناً آن بعض دیگر را بر این بعض، در بعض دیگری از مواهب برتری داده است»^(۱)

علامه طباطبائی نیز وجود تفاوت‌های فردی را با عباراتی مختلف مورد تأکید قرار داده است: «استعداد افراد انسان در درک حقایق علمی و معارف حقیقی مختلف است کسانی هستند که استعداد تفکر استدلالی را نداشته و با ذهن ساده خود در محیط کار و سطح مادی بسر می‌برند. و کسانی هستند که تفکرشان استدلالی بوده و طبعاً نشاط خاصی در درک معلومات عمیق فکری و نظریات علمی دارند»^(۲)

«افهام در توانایی درک و تفکر معنویات که از جهاتی وسیعتر از ماده می‌باشد مختلفند و مراتب گوناگون دارند.»

فهمی است که در تصور معنویات هم افق صفر است و فهمی است که کمی بالاتر از آن می‌باشد. و به همین ترتیب تا برسد به فهمی که با نهایت آسانی و سببترین معنویات غیر مادی را درک می‌کند. و در هر حال هر چه توانایی فهمی در درک معنویات بیشتر باشد به همین نسبت تعلقش به جهان ماده و مظاهر فریبنده‌اش کمتر و همچنین هر چه تعلق کمتر، توانایی درک معنویات بیشتر می‌باشد، و باین وصف افراد انسان با طبیعت انسانی که دارند، همگی استعداد این درک را دارند و اگر استعداد خود را ابطال نکنند قابل تربیتند.^(۳) لازم به ذکر است، استعدادهای یک فرد در عین حال که معین است متحول و متطور نیز می‌باشد یعنی در طول زندگی فرد بر اثر عوامل و شرایط مختلف تحول می‌یابد. «و قد خلقکم اطواراً» (نوح - ۱۴) کلمه اطوار جمع طور است و طور به معنای حد هر چیز و آن خالتی است که دارد. شما

۱- مطهری، مرتضی، مقدمه‌ای بر جهان مبنی توحیدی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۳۱۶.

۲- طباطبائی، سید محمد حسین، بررسیهای اسلامی، تنظیم هادی خسروشاهی، جلد (۱)، قم، دفتر تبلیغات

اسلامی، ۱۳۶۰، ص ۲۱۴.

۳- طباطبائی سید محمد حسین، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۲۹.

را او خلق کرد و به اطوار و احوال گوناگون خلق کرد که هر طوری، طور دیگر را به دنبال دارد یک فرد از شمار نخست از خاک آفرید. آن گاه نطفه اش کرد، سپس علقه و در مرحله چهارم مضعه و در پنجم جنین و در ششم طفل و آنگاه جوان و سپس سالخورده و در آخر پیر آفرید. (۱)

ریشه تفاوت‌های فردی (الف) عوامل درونی: منظور آن دسته عوامل ارثی و تکوینی هستند که قبل از تولد، در شکل‌گیری ساختمان جسمی و روانی انسان مؤثرند و آن مواد و ترکیبات بدنی، نطفه و اجزا تشکیل دهنده آن و خمیره ذاتی انسان را شامل می‌شود. علامه طباطبایی بعد از تفسیر آیه (۱۱۸) از سوره هود درباره این دسته از عوامل می‌نویسد: «یک نوع از اختلاف، اختلافی است که در عالم انسانی چاره‌ای از آن نیست، و آن اختلاف طبایع است که منشاء اختلاف بنیه‌ها می‌گردد، آری ترکیبات بدنی در افراد اختلاف دارد و این اختلاف در ترکیبات بدنی باعث اختلاف در استعدادهای بدنی و روحی می‌شود. (۲)

(ب) عوامل بیرونی: مراد از آنها مجموعه عوامل محیطی و اکتسابی هستند که بعد از تولد بر انسان و توانایی‌ها و قوای عقلانی او اثر می‌گذارند. علامه طباطبایی ذیل آیه و آن تو منوا و تتقوا فلکم اجر عظیم (آل عمران - ۱۷۹) می‌نویسد:

چند مطلب از این آیه استفاده می‌شود و از جمله آنهاست: «خوبی و بدی در عین این که به ذات اشخاص نسبت داده شده، دائر مدار ایمان و کفر که از امور اختیاری هستند می‌باشند و... (۳) او همچنین ذیل آیه شریفه ۲۰۰ سوره آل عمران بطور مفصل در بحث مربوط به روابط اجتماعی در اسلام این عوامل را در ابعاد گسترده مورد توجه قرار داده است. (۴)

بنابراین می‌توان در بینش اسلامی (با تأکید بر آیات قرآن کریم) تکلیف مسأله مرحله

۱- تفسیر المیزان، جلد (۲۰)، ص ۱۷۳، ضمناً در سوره (روم - آیه ۵۴) نیز به این موضوع اشاره شده است.

۲- تفسیر المیزان، جلد (۱۱)، ص (۶۹). ۳- تفسیر المیزان، جلد (۴)، ص ۱۳۸.

۴- تفسیر المیزان، جلد (۴)، ص (۲۲۸ - ۱۵۶).

بندی در فرایند تحول جسمی - روانی انسان را بگونه زیر روشن نمود:

الف: انسانها به رغم مشابهت در اصل وجود، با هم تفاوت‌هایی دارند. وجود وجوه تشابه و نیز اختلاف امروزه در میان اندیشمندان اسلامی و غیر اسلامی پذیرفته شده است. لازم به ذکر است که انسانها اغلب با یافتن جنبه‌ای، آن جنبه را طوری برجسته جلوه می‌دهند گویی که جنبه‌های دیگر اهمیتی ندارند. در مورد شباهتها و تفاوت‌های میان انسانها نیز وضع به همین ترتیب است، اما در بینش اسلامی اصل جامعیت رعایت شده و بنابراین شباهتها و نیز تفاوت‌های انسانها با توجه به شرایط و عوامل درون فردی و برون فردی مورد مذاقه قرار گرفته‌اند.

ب): تفاوت‌های میان انسانها برخی ذاتی (خدادادی) و برخی اکتسابی و در اثر شرایط و عوامل محیطی ظاهر می‌شوند. در این زمینه نیز اتفاق نظر قابل ملاحظه است.

ج): استعداد‌های فرد انسانی ضمن این که معین است، متحول و متطور نیز می‌باشد. در بینش اسلامی، خداوند انسان را به اطوار گوناگون خلق کرد هر طوری، طوری دیگر را به دنبال دارد.

د): وقتی در قرآن از انسان سخن به میان می‌آید، قوم، قبیله و یا مردم جامعه بخصوص مطمح نظر نیست بلکه نوع انسانی مورد توجه است.

ه): بنابر این به استناد آیات قرآن کریم می‌توان روند وسع انسانی را به مراحل تقسیم نمود و این مراحل برای تمام انسانها (نوع انسان) وضع شده و اختصاص به گروه یا قشر خاصی ندارد.

و): توالی این مراحل با نظر به ریشه‌های تفاوت‌های فردی در همه ابعاد شخصیت انسان نیست. مثلاً به لحاظ جسمی انسانها این مراحل را پشت سر هم طی می‌کنند و امکان جهش از مرحله اول به مرحله چهارم وجود ندارد. اما به لحاظ عقلی و به ویژه اخلاقی (بر اساس شرایط محیطی) امکان جهش و همینطور پسرفت وجود دارد. با وجود این شرایط مناسب (مناسب بودن بر مبنای آیات قرآنی و سایر منابع اسلامی، قابل تعریف است) این توالی می‌تواند درباره تمام ابعاد وجودی انسان صادق باشد. (آل عمران / ۱۹۶، انعام / ۷۰)

ز): مرحله بندی تحولات وسع انسانی به معنی تقطیع این فرایند بر اساس نقطه برش ثابت و غیر قابل انعطاف نیست. به عبارت دیگر مرحله بندی به منظور فراهم کردن زمینه‌های

لازم برای شناخت انسان و به طبع آن فراهم کردن امکانات بهتر برای تربیت اوست. پیوستگی رشد همواره باید مورد نظر باشد. (مؤمنون / ۱۴ - ۱۲، حج / ۵، عافر / ۶۷).

ح: و بالاخره مرحله بندی روند وسع آدمی بر اساس منابع اسلامی (من جمله قرآن کریم) امری جهان گیر و تفاوت اساسی آن با آنچه پیازه کهلبرگ، براون، لفرانکوویس و دیگران مطرح کرده‌اند این است که در این جا اولاً مجموعه ابعاد شخصیت انسان مد نظر می‌باشد. ثانیاً معیار مرحله بندی آیات قرآن کریم است که اصل آن ثابت است و هرگونه تغییر و دگرگونی در آن به قدرت درک محقق (راجع به قرآن) مربوط می‌شود. بنابراین مراحل قراردادی نیستند، بر مبنای شرایط تجربی وضع نشده‌اند و خلاصه از تفکیک منطقی نیز آن طوری که پیازه برونر و یا کهلبرگ عنوان کرده‌اند، برخوردار نیستند.

مشکلات مرحله بندی:

تاکنون بحث مشکلات مرحله بندی کمتر مورد توجه قرار گرفته است اما به اعتقاد ما فایده تبیین این مخاطرات کمتر از بر شمردن مزایای مرحله بندی فرایند رشد انسانی نیست، مشکلات مرحله بندی را بطور کلی می‌توان به دو نکته اساسی نسبت داد: یکی تعریف هر یک از مراحل که برای روند تحولات جسمی روانی انسان تعیین می‌کنیم.

دوم نقطه برش

البته پر واضح است که تعریف دقیق هر مرحله به لحاظ پیچیدگی‌های منحصر به فرد انسان بسیار دشوار است. اما باید بدانیم، وقتی معلّم، مربی و یا هر فردی دیگری که با تربیت انسان سروکار دارد از آنچه که مد نظر قرار می‌دهد تعریف مشخصی نداشته باشد در تعیین نوع و تعداد فعالیتها و خلاصه در برخورد با موضوع تربیت دچار مشکل خواهند شد. مثلاً این که کودکی چیست و کودک کیست، بسیار حائز اهمیت است. و اما درباره نقطه برش، باید اذعان کرد که اغلب نویسندگان و متخصصان روان‌شناسی و تعلیم و تربیت وقتی به مرحله بندی روند تحول جسمی - روانی انسان اقدام می‌کنند، قالبهایی را تدارک می‌بینند که ملاحظه آن قالبها راه را برای داورهای بالینی می‌بندد. طوری که تصور می‌شود تقطیع مراحل رشد در سن تقویمی پیش بینی تمام عیار مراحل رشد انسان در جمیع ابعاد وجودی است. در پیش

اسلامی تعیین نقاط برش برای سهولت مطالعه است، ضمناً این نقاط احتمالی بوده و هرگز نباید ثابت و غیر قابل انعطاف در نظر گرفته شوند.

فواید مرحله بندی رشد و ارتباط آن با مراحل تربیت:

در عین حال مرحله بندی روند تحول انسان در صورتی که دو خصوصیت تعریف مشخص مرحله و لحاظ کردن قابلیت انعطاف برای نقطه برش مراحل، رعایت شوند متضمن فوایدی است که برخی از آنها عبارتند از:

۱ - نیل به هدف غایی تربیت به یکباره امکان پذیر نیست. به همین جهت باید با استمداد از اهداف واسطه‌ای در هر یک از مراحل رشد و رعایت امکانات و محدودیتهای انسان در هر مرحله و تناسب این دو با هم، امکان دستیابی به هدف غایی را متدرجاً فراهم کنیم. مرحله بندی رشد این امر را تسهیل می‌کند. (در عین حال لازم است ارتباط اهداف مرحله‌ای را با هدف غایی همواره مورد توجه قرار دهیم).

۲ - تعیین موقع مناسب اصول و روش‌های متوقف بر تعیین مراحل است. این که انسان در هر مرحله از رشد، از وسعت وجودی خاصی برخوردار است که مستلزم رعایت و به کارگیری اصول و روش‌های مختص به همان مرحله است. گرچه نباید قابلیت انعطاف اصول و روش‌های تربیتی را در برخورد با مسائل مختلف نادیده گرفت.

۳ - هدایت تحصیلی و شغلی افراد انسانی نیز تا حد زیادی به تعیین مراحل رشد مربوط می‌شود.

۴ - و بالاخره مرحله بندی تربیت با نظر به روند وسیع آدمی در طول زندگی انجام می‌گیرد. به عنوان مثال در خصوص فلسفه دوران ضعف اولیه با توجه به مثلاً هدف سازگاری می‌توان گفت که انسان بر خلاف سایر موجودات رفتارهای لازم برای سازگار شدن را به صورت استعداد یا توان بالقوه دارد. و از سویی محصول تجارب اجداد از طریق وراثت به او منتقل نمی‌شود. بنابراین، این دوره فرصتی است که طی آن امکانات ذاتی افراد به کمک تجارب متعدد و متنوع از قوه به فعل درآید.

همین جا رابطه مراحل تحول جسمی - روانی انسان و تربیت نیز روشن می شود. به عبارت دیگر اگر مقاصد تربیتی را با نظر به روند تحولات جسمی روانی بشر انتظام ببخشم، مراحل تربیت نمایان می شود.

تربیت:

واژه تربیت معادل Education در زبان انگلیسی است. لغت Education دو ریشه دارد: (الف) Educare به معنی تغذیه و (ب) Educere به معنی هدایت کردن است^(۱) بنابراین در تربیت حسب معنای لغوی آن، فرد و نیز عامل خارج از فرد هر دو نقش دارند.

در زبان قرآن، واژه تربیت مصدر باب تفعیل و از ریشه ربو به معنای نشو نما دادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب و قیمتی ساختن^(۲) و نیز سرزمین بلند و مرتفع^(۳) است. برای تربیت با توجه به ریشه ربو تعاریف مختلفی ارائه شده است و از جمله آنهاست:

«کلمه تربیت در لغت حول رشد کودک به لحاظ مادی با تغذیه و رعایت موارد جسمانی، به لحاظ عقلی با اضافه کردن معرفت و فرهنگ بشر به طفل و به لحاظ روحی با اضافه کردن به او آنچه که نفسش را مهذب و مزکی سازد، دور می زند^(۴)».

همان طوری که ملاحظه می شود رنگ ممتاز تعریف مذکور یکی توجه به ابعاد مختلف مادی، عقلی و روحی است و دیگر تأکید بر جنبه ایجادی و انشایی در تربیت.

برخی با رعایت به این که ربو براساس یکی از قواعد علم صرف از کلمه رب مشتق شده است، تربیت اسلامی را با توجه به این ماده (ر ب ب) تعریف کرده اند: «شناخت خدا به عنوان

۱- میلااره گاستون، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۱.

۲- المنجد الابدی، لاروس.

۳- اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن (تفسیر لغوی و ادبی قرآن)، ترجمه دکتر سید غلامرضا خسروی

حسینی، جلد دوم، تهران انتشارات کتابفروشی مرتضوی چاپ اول، ۱۳۶۳، ص ۵۴.

۴- اصول الفکر التربوی فی الاسلام، ص ۱۵.

رب یگانه انسان و جهان و برگزیدن او به عنوان رب خویشتن و بن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر.^(۱)

قدر مسلم این است که معنای تربیت با عنایت به ریشه ربو در قرآن کریم بیشتر ناظر بر بزرگ کردن نوزاد و یا دقیقتر بگوئیم رشد جسمانی کودک است. مثلاً در داستان موسی (ع) و فرعون می بینیم وقتی موسی در برابر فرعون قیام می کند فرعون به او می گوید:

«الم تر بک فینا ولیدا و لثبت فینا من عمرک سنین» شعرا / ۱۸

یعنی: «آیا در دوران کودکی تو را میان جمع خود تربیت نکردیم و سالهایی از عمر خود را در میان مانگذار نیدی.» منظور فرعون این است که تو طفلی در معرض هلاکت بودی و ما تو را از آب گرفتیم و بزرگت کردیم نه این که مقصود او تهذیب اخلاقی موسی (ع) باشد. بنابراین طرح اسلام در ساختن و پرداختن انسان در مفهوم تربیت با توجه به ریشه ربو نمی گنجد.

اما مشکل اساسی که در هر یک از تعاریف مذکور دیده می شود اینست که هر کدام وجهی از مختصات انسانی را که قرآن معرفی می کند، لحاظ کرده اند و بر مبنای آن تعریفی از تربیت انسانی ارائه نمودند. در تعریف نخست عامل بیرونی و خاصیت تأثیر پذیری انسان بیشتر مورد تأکید قرار گرفته و در تعریف دوم عامل درونی یا خود فرد رنگ متماز می یابد. مسلم است که تعریف تربیت انسانی مستلزم توجه به ویژگیهای انسان در قرآن کریم است. آیات قرآن وجود قوایی در انسان،^(۲) خصیصه اثر پذیری و اثر گذار او^(۳) و نیز قدرت مقاومت انسان در برابر شرایط خارجی^(۴) را تصریح کرده اند، بنابراین با توجه به موارد مذکور می توان پذیرفت تربیت فعالیتی است عمدی که در ابعاد مختلف وجود انسان (اعتقادی، عقلانی، اجتماعی، عاطفی، بدنی و...) با اضافه کردن یا کاستن، به شکل ترقی یا انحطاط مؤثر واقع می شود، خواه آن که مصدر این فعالیت خود فرد باشد یا محیط اجتماعی او

۱ - نگاهی دوباره به ترتیب اسلامی، ص ۵۳. ۲ - سوره نحل، آیه (۷۸).

۳ - تنزیل - (۶)، شوری - (۲۷)، هود - (۲۴).

۴ - مائده - (۱۰۵)، شعرا - (۵)، نوح - (۷)، طه - (۲۴).

به معنای محدوده یا گسترده آن.^(۱)

مراحل تربیت:

همان طوری که گذشت موجود انسانی از زمان انعقاد نطفه تا هنگام تولد و از تولد تا مرگ بطور تدریجی مراحل بهم پیوسته‌ای را طی می‌کند که با نظر به آیات قرآن تعیین و تبیین این مراحل برای تحول جسمی روانی انسان به شرط رعایت دو ویژگی (تعریف مرحله و انعطاف پذیری نقطه برش) ممکن و ضمناً سودمند معرفی شد. از سوی دیگر گفتیم که از روی این مراحل تکوینی می‌توان مراحل تربیت را توجیه کرد. اگر یکی از اهداف تربیت را با عنایت به تعریفی که از آن (تربیت) ارائه و پذیرفته‌ایم فراهم کردن شرایط رشد انسان و هدایت او بسوی کمال بدانیم. تعلیم و تربیت باید با توجه به ساختمان روانی انسان در هر مرحله از رشد این پیشرفت را تسهیل کند. بنابراین ملاحظه می‌شود که مراحل تربیت یعنی نظم دادن به اهداف تربیت با نظر به مراحل رشد. به عبارت دیگر از این دیدگاه تربیت بر شناخت انسان در طی رشد و جهان ارزشهای مبتنی است. و چون اغلب این نقطه نظر به تقسیم و تعیین حلقه‌هایی در روند رشد می‌انجامد که بهم پیوستن آنها بسیار دشوار به نظر می‌رسد ما همواره بر نوعی وحدت در تحول جسمی روانی انسان تأکید می‌کنیم. چه این که همه این مراحل به تحقق هدف غایی (مشترک) کمک می‌کنند. بنابراین مراحل تربیت منازل به هم پیوسته‌ای است که صرفاً برای تسهیل امر تربیت مورد توجه قرار می‌گیرد.

معیارهای مرحله بندی تربیت:

مبنای مرحله بندی تربیت را مراحل تحول انسان تشکیل می‌دهند و ما معیارهای اصلی برای تعیین مراحل تحول جسمی - روانی انسان را با توجه به ادله آیات قرآنی استخراج می‌کنیم. این معیارها مبتنی بر مختصات است که انسان در هر مرحله دارد. به عبارت دیگر با نظر به همین کیفیات است که می‌توان مراحل را در یک زمینه خاص تعبیه کرد. در مورد قبل

از تولد تمایز یک مرحله از مرحله دیگر تا حدی روشن بیان شده است. مثلاً نطفه و ویژگیهایی دارد که آن را از علقه و همین طور تا مرحله انشاء خلقتی دیگر متمایز می‌سازد (مؤمنون / ۱۲ - ۱۴) در مورد زندگی بعد از تولد نیز تفاوت‌های کیفی است که مراحل را از هم باز می‌شناساند، در مورد ویژگیهای جسمانی به این تفاوت در (سوره روم آیه ۵۴ اشاره شده است، که انسانها ابتدا در دوره طفولیت) ضعیف هستند و سپس دارای ویژگی قوت خواهد شد (در دوره بلوغ) و بالاخره در مراحل پایان عمر به ضعف و سستی متصف می‌شوند. علاوه بر این تفاوت‌های کیفی دیگری نیز می‌توانند (و باید) مورد توجه قرار گیرند مثلاً فعالیت و بازی خصیصه بارز انسان در دوره کودکی است (محمد / ۳۶) و چون اطفال (کسانی که هنوز بالغ نشده‌اند) - (نور / ۳۱) قابلیت لازم برای مسئولیت پذیری را ندارند. بنابراین تکلیف از آنها ساقط شده و توجه اغلب به اینجا و اکنون معطوف است. در دوره بلوغ تحولات جنسی و نیز رشد به منصفه ظهور می‌رسند، و بر پایه آن انسان کفایت لازم برای اداره زندگی به دست می‌آورد و می‌تواند شخصاً امور مربوط به خود را به عهده بگیرد (نساء / ۶، کهف / ۸۲) در پایان دوره بلوغ، تحولات عاطفی و فکری جای خود را به اعتدال و ثبات نسبی در این زمینه‌ها می‌دهد (قصص / ۱۴) و در پرتو همین توازن در ابعاد مختلف وجود است که انسان فرصت می‌یابد تا در مسیر کمال با سرعت بیشتر حرکت کند و این تا حدود سن (۴۰) سالگی است (احقاف / ۱۵) پس از گذراندن دهه (۴۰) تقریباً از آغاز (۵۰) سالگی دوران ضعف نمایان می‌گردد (غافر / ۶۷) که انسان در این مرحله به سن پیری می‌رسد که به لحاظ عقلانی دوره ثمر دهی اش را طی میکنند و بالاخره بعد از این مرحله خداوند می‌فرماید به برخی از انسانها آنقدر عمر می‌دهیم که به «ارذل العمر» می‌رسند. در این دوره انسان دانسته هایش را فراموش می‌کند (نحل / ۷۰، یس / ۶۸)

هدفهای مرحله بندی تربیت:

تصور می‌کنم تاکنون مقصود ما از مرحله بندی تربیت روشن شده باشد. بارها متذکر

شدیم که مراحل تحول جسمی - روانی انسان از وحدت و یکپارچگی برخوردارند. با نظر به

همین پیوستگی و نیز با توجه به این که آهنگ حرکت (رشد) انسان برای نیل به کمال بسیار کند و تدریجی است، مراحل را برای آن به تصویر کشانده تا بر پایه آن بتوانیم موقع و موضع (مناسب) استفاده از اصول و روش های تربیتی را تعیین کرده و بدین ترتیب امکان تربیت آدمی را بیشتر فراهم کنیم.

حاصل کلام:

تربیت آدمی (حداقل) از آغاز تشکیل نطفه شروع می شود و پس از تولد دامنه آن گستره حیات را در بر می گیرد. بنابراین ابتدای تربیت ولادت مولود انسانی نیست و انتهای تربیت پایان دوره جوانی یا... نیست.

تعیین مراحل تربیت قبل از تولد: بر پایه مراحل رشد بسیار دشوار و بعضاً غیر ممکن می نماید. چه این که اطلاعات درباره دوران قبل از تولد و نیز نوع و تأثیر اقداماتی که احتمالاً در هر مرحله به گونه خاصی بارز می شوند بسیار اندک است و در منابع اسلامی نیز این زمینه تصریح نشده است. اما در مورد این که تربیت از قبل از تولد شروع می شود ادله کافی موجود است:

ایما امراه اطاعت زوجها و هو شارب الخمر کان لها من الخطایا بعدد نجوم السما و کل مولود تلد منه فهو نجس و لا یقبل الله منها صرفاً و لا عدلاً حتی یموت زوجها او خلع عنه نفسها^(۱). (امام صادق (ع))

یعنی: هر زنی به همبستری شوهر شرابخوار خود تن در دهد بعدد ستارگان آسمان مرتکب خطا شده است و فرزندی که از آن مرد پدید می آید ناپاک و پلید است و خداوند از آن زن هیچ توبه و فدیهای را قبول نمی کند مگر آن که شوهرش بمیرد یا او را از قید زناشوئی رها سازد.

در این حدیث امام صادق (ع) به تأثیر مخرب شراب اشاره فرموده است. «نشانگان

۱- فلسفی، محمد تقی گفتار فلسفی (کودک از نظر وراثت و تربیت)، تهران هیأت نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۶،

الکل جنینی FAS به عنوان یک مشکل بهداشتی مهم برای نوزدان مادران بارداری تلقی می‌شود که مقدار زیادی الکل مصرف می‌کنند. از خصوصیات (FAS) که تقریباً در (۱/۳) نوزادان مادران آبتن الکی رخ می‌دهد. گونه‌هایی از بد شکلی‌های جسمانی بعلاوه عقب ماندگی ذهنی است.... شواهد نشان می‌دهد که میزان الکل مصرفی با سطح برانگیختگی و کارگزاری سیستم عصبی مرکزی نوزادان ارتباط دارد. (استریزگوت، بارومارتین ۱۹۸۳)^(۱)

اسلام به علت همین تأثیر مستقیم می‌خواهد پدر و مادر روی نطفه با کمال صراحت پیروانش را از ازدواج با مردم الکلی منع کرده است: رسول اکرم فرمود: «شارب الخمر لا یزوج اذا خطب» یعنی شرابخوار اگر خواستگاری کند به او دختر ندهید. خطر بزرگ در فرزند شارب الخمر وقتی است که در حین مستی نطفه‌اش منعقد شود: مستی زن یا شوهر در لحظه آمیزش جنایت واقعی است زیرا کودکان که در این شرایط بوجود می‌آیند اغلب از عوارض عصبی یا روانی، رنج می‌برند.^(۲)

در این زمینه روایات از ائمه اطهار (ع) بسیار زیاد است. ما به لحاظ رعایت اختصار به بیان این نکته اکتفا می‌کنیم که عواملی که باعث نقصهای بدنی و روانی کودک در رحم مادر می‌شوند به مواردی که اشاره شد محدود نمی‌شود.

بسیاری از عوامل شناخته شده و بسیاری از عوامل دیگر هنوز برای بشر مجهول و ناشناخته است. مسلم اینست که بویژه قبل از تولد نیز به عنوان مرحله‌ای از تربیت مورد مذاقه قرار گرفته است.

مراحل تربیت بعد از تولد:

قرآن کریم صریحاً به مراحل رشد انسان اشاره کرده است اما تبیین مراحل تربیت از دیدگاه قرآن مستلزم درک عمیق مراحل رشد و آیات متعددی است که هر یک، به مرحله‌ای

۱- هالاهان، دانیل، پی و کافمن، جمیز. ام، کودکان استثنائی در زمینه تعلیم و تربیت ویژه، جلد اول، ترجمه

فرهاد ماهر تهران، انتشارات رشد، چاپ اول، ۱۳۷۱، ص ۱۱۷ - ۱۱۶.

۲- گفتار فلسفی، ص (۸۶ - ۸۵)

عنایت خاص دارند. قبل از ذکر این مراحل بر پایه مقدمات بحث لازم است قدری در خصوص تفسیری که ذیل آیه ۲۰ از سوره حدید آمده و برخی با استناد به آن مراحل تربیت را بگونه‌ای توجیه کرده‌اند، تأمل کنیم:

علامه طباطبایی در تفسیر آیه: *اعملوا انما الحیاة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفاخر بینکم و تکاثر فی الاموال و الولاد...*

«بدانید که در زندگی دنیا بازیچه و لهو و زینت و تفاخر بین شما و تکاثر در اموال و اولاد است...» از شیخ بهایی نقل می‌کند: در این آیه شریف پنج خصلت و ویژگی برای انسان ذکر شده که در پنج مرحله بطور مرتب ظهور می‌یابند:

(۱) دوران بچگی (لعب) در این دوران انسان سخت حریص بازی است.
(۲) دوران کودکی (لهو) این مرحله تا اوایل بلوغ ادامه دارد و کودک به سرگرمیها علاقمند است.

(۳) دوران بلوغ و اوایل جوانی (زینت) در این مرحله انسان به آرایش خود و زندگی اش بیشتر اهمیت می‌دهد.

(۴) دوران جوانی (تفاخر) انسان در این دوران به امکانات زندگی بهتر و فاخر دل می‌بندد.

(۵) دوران بزرگسالی و پیری (تکاثر) این دوران خود به دو مرحله تقسیم می‌شود:
(۵/۱) مرحله بزرگسالی (تکاثر فی الاموال) در این مرحله به جمع آوری مال می‌پردازد و به زیادی اموال دنیوی علاقمند است.

(۵/۲) مرحله پیری (تکاثر فی الاولاد) انسان در این مرحله به زیادی و تعداد اولاد اهمیت می‌دهد. «گرچه تفسیر قرآن از توانایی ما خارج است ولی آنچه مسلم است، اینست که تعیین مراحل تربیت بر اساس این آیه منطقی به نظر نمی‌رسد زیرا اولاد انسان در هر مرحله از رشد ممکن است به یکی یا چند تا از این خصوصیات متصف باشد. و این به تجربه ما نیز در آمده است. البته این که عموماً این مختصات در مراحلی که شیخ بهایی بیان کرده، برجستگی دارند شکی نیست اما با وجود این، نمی‌تواند دلیل قاطعی برای مرحله بندی فرایند تربیت (بر

این اساس) تلقی شود. ثانیاً دنباله همین آیه شریفه نشان می دهد که خداوند این مختصات را برای معرفی سبک زندگی دنیوی کفار و یا حداقل خاصیت فریبندگی و زوال آن بیان فرموده است... «کمثل عیث اعجب الکفار نباته ثم بهیج فتریه مصفراً ثم یکون حطاماً و فی الاخره عذاب شدید و مغفره من الله و رضوان و ما الحیوة الدنیا الامتاع الغرور. یعنی... (زندگی دنیا) مثل آن بارانی است که کفار از روئیدن گیاهانش به شگفت درآیند و گیاهان به منتها درجه رشد برسند در آن هنگام به زردی گرائیده، خشک می شوند. دنیای کفار نیز چنین است البته در آخرت عذاب شدیدی است و هم مغفرت و رضوانی از ناحیه خداست، و زندگی دنیا جز گول زنگی فریبنده نمی باشد، ثالثاً اگر هم برجستگی خصوصیات مذکور را در هر دوره بپذیریم باز هم ایراد قبلی «مبتنی بر این که مرحله بندی باید جامع شخصیت انسان را دربر گیرد و نمی توان بر اساس یک یا چند ویژگی به مرحله بندی روند و سع انسانی پرداخت» بر این نقطه نظر وارد است. بنابراین مرحله بندی تربیت با این سیاق نمی تواند، درست باشد. همان طوریکه اشاره شد مرحله بندی تربیت مبتنی بر مراحل رشد است و از این نقطه نظر می توان مراحل تربیت را بعد از تولد به: تربیت در دوران ضعف اولیه

- تربیت در دوران قوت

- تربیت در دوران ضعف نهایی تقسیم کرد. ^(۱) البته هر یک از این مراحل را می توان به مراحل دقیق تر و ریزتری دسته بندی کرد مثلاً دوران ضعف اولیه را به دو دوره: مرحله اول طفولیت ^(۲) و مرحله دوم طفولیت تقسیم کرد. ^(۳)

دوران قوت را به دو دوره: مرحله بلوغ ^(۴) و مرحله اشد بلوغ تقسیم کرد. ^(۵)

۱- این تقسیم بندی مبتنی است بر مراحل رشد که بر اساس آیه (۵۴) سوره روم مشخص شده اند. در این آیه آمده است: خداست که شما را از ضعف آفرید، سپس از پی ضعف، قوتی و از پی قوت ضعف و پیری قرار داد و او آنچه می خواهد می آفریند و او دانای تواناست.

۲- آل عمران - (۳۹)، مریم - (۷)، بقره - (۲۳۳).
۳- زخرف (۶۷)، فرقان (۲۹ - ۲۷)، تحریم (۶).

۴- طارق (۱۰ - ۴)، نور (۳۱ - ۳۰)، معارج (۳۱) بقره (۲۲۳ - ۲۲۲)، یوسف (۳۴ - ۳۳)، عنکبوت (۲۹ - ۲۸)

۵- احقاف (۱۶ - ۱۰)

دوران ضعف نهایی: نیز بر دو دوره: مرحله سالخوردگی^(۱) و مرحله کهنسالی^(۲) تقسیم نمود.

از آنجا که بررسی ویژگیهای انسان در هر یک از این مراحل، مسائل انسان در هر دوره و ارائه راه‌حلهای پیشنهادی با تکیه بر آیات قرآن مستلزم بحثی طولانی است که در این مختصر نمی‌گنجد به همین مقدار بسنده کرده ولی امیدواریم که بتوانیم در مقالات دیگری، ضمن دریافت بازخوردها، به ادامه بحث پردازیم.



ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- هود (۷۲)
 ۲- مریم (۴)، نحل (۷۰)، یس (۶۸)